

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هشتم (۱۳۹۷)، شماره نوزدهم

تحلیل شخصیت رجالی غیاث بن ابراهیم در اسناد روایی شیعه

سید مجتبی حسین نژاد^۱

چکیده

«غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی بصری» در شمار راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) قرار داشته و روایات بسیاری از وی نقل شده است. با توجه به توثیق غیاث بن ابراهیم از سوی نجاشی، وثاقت او محرز است اما امامی بودن او محل بحث است. برخی از فقها این راوی را همان غیاث بن ابراهیم بتری مذهبی که در سخنان شیخ طوسی در زمره اصحاب امام باقر (ع) قرار گرفته، دانسته‌اند. در این پژوهش روشن کرده‌ایم غیاث بن ابراهیم در هیچ یک از کتب حدیثی موجود شیعه، حتی یک روایت از امام باقر (ع) یا از اصحاب امام باقر (ع)، نقل نکرده است، در حالی که این محدث اگر از اصحاب امام باقر (ع) بود، بسیار بعید است که از این امام و هیچ کدام از اصحابشان روایتی نشنیده باشد. بر این اساس، غیاث بن ابراهیم تمیمی، نمی‌تواند همان غیاث بن ابراهیم بتری مذهب در شمار اصحاب امام باقر (ع) باشد. با نظر داشت این مطلب و با در نظر گرفتن دلایلی همچون ذکر نشدن مذهب این راوی در رجال نجاشی، می‌توان امامی بودن وی را استنتاج نمود.

واژگان کلیدی: علم رجال، روایت، غیاث بن ابراهیم تمیمی، غیاث بن ابراهیم نخعی، رجال نجاشی.

۱. استادیار فقه و حقوق اسلامی موسسه آموزش عالی پارسا-بابلسر / mojtabahoseinnezhad4@gmail.com

۱- مقدمه

با مراجعه به اسناد روایات شیعه روشن می‌شود که در حدود ۱۸۱ مورد، نام غیاث بن ابراهیم به صورت مطلق و بدون اتصاف به لقب یا کنیه آمده است (خویی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۲۸). در رابطه با شخصیت رجالی غیاث بن ابراهیم باید گفت نجاشی معتقد است که غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی که از اهل بصره و ساکن کوفه بوده است، به عنوان راوی ثقه محسوب می‌شود که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت می‌کند. وی سخنی از مذهب وی به میان نمی‌آورد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۵) در حالی که شیخ طوسی، در گروه اصحاب امام باقر (ع)، از غیاث بن ابراهیم به غیاث بن ابراهیم بُتری مذهب^۱ یاد کرده (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۱۴۲) و در گروه اصحاب امام صادق (ع) از وی به غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی تعبیر می‌کند که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت کرده است (همان، ص ۲۶۸). علاوه بر اینکه از وی در زمره کسانی که از ائمه (ع) روایت ندارند، با وصف «محمد بن یحیی خزاز از او روایت کرده است» یاد می‌کند (همان، ص ۴۳۵). با جستجو در کتب اربعه و همچنین وسائل الشیعه روشن می‌شود که غیاث بن ابراهیم در تمامی اسنادی که قرار گرفته است، از امام صادق (ع) به صورت مستقیم روایت نقل می‌کند و تنها در سند سه روایت به صورت مستقیم از امام صادق (ع) نقل روایت نمی‌کند.^۲

۱. بتیره [به فتح یا ضم باء]، فرقه‌ای از زیدیه‌اند که به عنوان پیروان مغیره بن سعید ملقب به ابتر و یا حسین بن صالح کنیر النواء و ... شناخته شده‌اند، درباره امام علی (ع) معتقدند که وی پس از پیامبر اکرم (ص) به جهت فضل، سابقه، علم، شجاعت، سخاوت، ورع و زهد، شایسته‌ترین فرد برای منصب خلافت است؛ با این وجود، امامت مفضول (ابوبکر و عمر) را اجازه داده و آن دو را لایق این مقام می‌شمارند و برای توجیه این عقیده می‌گویند که علی (ع) به ولایت آنان رضایت داده و بدون اکراه و اجبار با آنان بیعت کرده است؛ اما نسبت به عثمان، طلحه، زبیر و عایشه، خشم گرفته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۰۷، ص ۶۲ / علم الهدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷ / نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۱۳). با توجه به بودن این فرقه از فرق زیدیه، پس از اعتقاد به حق بودن و امامت علی (ع) بعد از پیامبر (ص) و امامت حسن (ع) و حسین (ع)، امامت را منحصر در فرزندان آن دو می‌دانند و معتقدند هر کدام از ایشان که دارای شرایط باشد و مردم را به امامت خود دعوت کند و علیه ظلم و ستم قیام نماید، امام خواهد بود. به همین دلیل، آنان پس از امام حسین (ع) به امامت زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹ / نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۵۵ / مسعودی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۳۱).

۲. بلکه در یکی از این سه روایت به واسطه پدرش از امام صادق (ع) روایت می‌کند و در دو تای دیگر از صاعد بن مسلم روایت نقل می‌کند. سند این سه روایت عبارت‌اند از:

بدون شک این غیاث بن ابراهیم با توجه به رجال نجاشی و رجال طوسی، همان‌طور که گذشت، به قرینه روایتش از امام صادق (ع) همان غیاث بن ابراهیمی تمیمی اسیدی است. منتها بحث در این است که آیا این غیاث بن ابراهیم تمیمی ثقه است یا نه؟ آیا این غیاث بن ابراهیم تمیمی همان غیاث بن ابراهیم بتری‌مذهب مذکور در سخنان شیخ طوسی است که در شمار اصحاب امام باقر (ع) جای گرفته است یا نه؟ برفرض اینکه متعدد باشد، آیا غیاث بن ابراهیم تمیمی، امامی است یا نه؟

در رابطه با پیشینه تحقیق باید در نظر داشت که تا جایی که نگارنده جستجو نموده است، تنها یک مقاله در رابطه با غیاث بن ابراهیم تحت عنوان «شناسایی یک راوی مشترک: بررسی رجالی غیاث بن ابراهیم و حضور او در سند احادیث شیعه و اهل سنت» در مجله علوم حدیث^۱ نگاشته شده است. نویسنده در این مقاله با توجه به مجموعه‌ای از تحلیل‌ها، در مجموع معتقد است که غیاث بن ابراهیم کذاب واقع در اسناد روایات اهل سنت، همان غیاث بن ابراهیم واقع در اسناد روایات شیعه است و هویت هر دو راوی یکی است و درنهایت، غیاث بن ابراهیم را بتری‌مذهب و غیرموثق می‌داند. ولی نگارنده در مقاله حاضر با گامی نو پس از اثبات این نکته

الف) محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن محمد بن یحیی عن غیاث بن ابراهیم عن أبیه عن أبی عبدالله (ع) قال ... (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۵۴۶). در سند این روایت اگرچه بنا بر نقل شیخ حر عاملی، غیاث بن ابراهیم به واسطه پدرش (که از جمله راویان مجهول است) از امام صادق (ع) روایت نقل می‌کند منتها عین همین روایت در نسخه کافی مذکور است در حالی که غیاث بن ابراهیم به صورت مستقیم و بدون واسطه قرار دادن پدرش، از امام صادق (ع) روایت می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۶۳).

ب) محمد بن الحسن بن علی الطوسی عن محمد بن علی بن محبوب عن محمد بن الحسین عن محمد بن یحیی عن غیاث عن صاعد بن مسلم عن الشعبي قال: قال علی (ع) ... (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۹ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۳۸). همان‌طور که در این روایت ملاحظه می‌شود غیاث بن ابراهیم از صاعد بن مسلم (که از جمله راویان مجهول است) روایت می‌کند.

ج) محمد بن الحسن بن اسناده عن محمد بن علی بن محبوب عن محمد بن الحسین عن محمد بن یحیی عن غیاث عن صاعد بن مسلم عن الشعبي قال: قال علی (ع) ... (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، صص ۳۴۰-۳۴۱). اگرچه سند این روایت عین روایت دوم است و غیاث بن ابراهیم از صاعد بن مسلم نقل روایت می‌کند، منتها اصل این روایت با همین متن در کتب اربعه موجود نیست.

۱. فرجامی، اعظم؛ «شناسایی یک راوی مشترک: بررسی رجالی غیاث بن ابراهیم و حضور او در سند احادیث شیعه و اهل سنت»؛ مجله علوم حدیث، ش ۴۰، تابستان ۱۳۸۵ ش.

که غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی واقع در رجال نجاشی که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت می‌کند، غیر از غیاث بن ابراهیم بتری مذهبی است که در رجال شیخ طوسی در زمره اصحاب امام باقر (ع) قرار گرفته است و گذشته از اثبات وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی، به بررسی مذهب این راوی پرداخته و در نهایت، امامی بودن وی را نتیجه می‌گیرد.

لازم به ذکر است که در تعدادی از روایات، عناوین غیاث بن ابراهیم الدارمی (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۴۶ / طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۶ / همو، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۳۸) و غیاث بن ابراهیم الرزازی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۱) به چشم می‌خورد که از امام صادق (ع) آن‌هم به‌طور مستقیم روایت نقل می‌کنند. بدون شک هم عنوان غیاث بن ابراهیم الدارمی و هم عنوان غیاث بن ابراهیم الرزازی به قرینه راوی و مروی عنه، همان غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی می‌باشند (خویی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۳۴).

باید دانست که پذیرش یا عدم پذیرش روایات منقول از غیاث بن ابراهیم در مواضع متعددی از مسائل فقهی می‌تواند آثار و تبعات مهمی را به همراه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این مسائل که در قسمت فقه جزایی می‌تواند آثار بسیار مهمی را به‌جا بگذارد، مسأله اجرای حد قطع بر سارق پرنده است که روایتی از غیاث بن ابراهیم مبنی بر عدم اجرای حد قطع بر سارق پرنده در این زمینه وارد شده است. مشهور فقها بنا بر ادعای فقهایی همچون صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۹۸)، در این مسأله با ضعیف دانستن این روایت، حاضر به پذیرفتن عدم اجرای حد قطع بر سارق پرنده نشدند، درحالی‌که بعضی از فقها از جمله شیخ حر عاملی (۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۵۶) و آیت‌الله خویی (۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۵۴) با توجه به روایت غیاث بن ابراهیم، معتقد به عدم اجرای حد بر سارق پرنده شدند. بر این اساس پذیرفتن مضمون این روایت، فرق قائل شدن بین سرقت پرنده و سرقت اشیای غیر آن است از اینکه بر سارق پرنده برخلاف سرقت اشیای دیگر، حد قطع اجرا نمی‌شود. لذا با توجه به اهمیت بحث در پذیرش روایات منقول از غیاث بن ابراهیم، لازم است که با دقت تمام به بررسی و تحلیل شخصیت رجالی غیاث بن ابراهیم بپردازیم.

۲- وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی

باید در نظر داشت - همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد- تمامی فقها و بزرگان رجالی با توجه به توثیق صریح نجاشی، شکی در وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی ندارند و تنها با توجه به کلام شیخ طوسی در رجالش، با یکدیگر اختلاف نظر بسیار شدیدی در مذهب وی دارند. مستفاد از

کافی نیز، اعتماد کلینی به روایات غیاث است؛ زیرا وی در باب «الرجل یدرک مع الامام بعضَ صلاته» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۸۴) و در باب «من یکره الصلاة خلفه» (همان، ج ۳، ص ۳۷۶) تنها به روایت غیاث بن ابراهیم اکتفا کرده و متعرض روایت متعارض نشده است (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۴).

البته لازم به ذکر است علاوه بر توثیق خاص نجاشی، محدث نوری توثیقات دیگری نیز تحت عنوان توثیقات عامه برای وثاقت غیاث بن ابراهیم ذکر می‌کند (نوری، ۱۴۰۷، ج ۵، صص ۷۳-۷۴). از جمله این توثیقات:

الف) روایت ابن ابی عمیر از غیاث بن ابراهیم (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۱۳/ همو، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۶۳)؛ زیرا محمد بن ابی عمیر که از راویان امامی ثقه جلیل‌القدر است (همو، ۱۴۲۷، ص ۳۶۵/ همو، بی‌تا، ص ۴۰۵/ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۷) بنا بر ادعای شیخ طوسی جز از ثقه از کسی دیگر روایت نمی‌کند (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴). لذا روایت این راوی از غیاث بن ابراهیم می‌تواند از جمله دلایل وثاقت غیاث به شمار آید.

ب) روایت عبدالله بن مغیره از غیاث بن ابراهیم نیز می‌تواند دلیل دیگری بر وثاقتش به شمار آید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ج ۳، ص ۱۵۶/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۳)؛ زیرا این راوی در زمره اصحاب اجماع است و بنا بر اعتقاد محدث نوری و فقهای از جمله شهید اول (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۱)، روایت اصحاب اجماع از شخص می‌تواند دلیل بر وثاقت او تا امام معصوم (ع) در نظر گرفته شود.

ج) روایت حسن بن علی بن فضال که از بنو فضال است، از غیاث بن ابراهیم (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۳/ همو، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۴/ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۳۴) می‌تواند از دیگر توثیقات غیاث بن ابراهیم به شمار آید. دلیل بر اینکه نقل بنو فضال از غیاث می‌تواند از جمله شواهد توثیق غیاث شمرده شود، روایت منقول از شیخ طوسی در کتاب الغیبة است:

ابو الحسین بن تمام گفته است: عبدالله کوفی، خادم حسین بن روح برای من تعریف کرد که بعد از آنکه ابن ابی عزاقر (محمد بن علی شلمغانی) مورد نکوهش امام زمان (عج) واقع شد و پیامی از آن حضرت در لعن او صادر گردید، از حسین بن روح پرسیدند: کتاب‌های او خانه‌های ما را پر کرده است، راجع به آن‌ها چه می‌گویید؟ گفت: به امام حسن عسکری (ع) گفتند: خانه‌های ما از کتاب‌های بنی فضال پر است؛ تکلیف ما نسبت به آن‌ها چیست؟ امام عسکری (ع) فرمود: «به روایات آنان عمل کنید، ولی فتوای ایشان را رها نمایید» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۸۹).

با توجه به روایت فوق، برخی معتقدند که خانواده بنو فضال از غیر ثقه روایت نقل نمی کرده‌اند، بلکه تنها از ثقه نقل روایت می‌نموده‌اند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۸). غیاث بن ابراهیم نیز از جمله کسانی است که حسن بن علی بن فضال از وی نقل روایت نموده است، لذا روایات حسن بن علی بن فضال از غیاث می‌تواند دلیل بر وثاقت غیاث قرار گیرد.

د) روایت جماعتی از اجلای فقها همچون عبدالله بن سنان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۷)، حسن بن موسی خشّاب (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۹۵) و همچنین محمد بن یحیی خزاز (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۳۱۵، ۶۴۷؛ ج ۳، ص ۳۳۲؛ ج ۴، ص ۱۳) - که در میان راویان، بیشترین روایت را از غیاث بن ابراهیم دارد- از غیاث می‌تواند از دلایل دیگر توثیق غیاث بن ابراهیم به شمار آید.

البته توثیقات عامه‌ای که دلالت بر توثیق غیاث بن ابراهیم می‌کنند، منحصر در توثیقات فوق در خاتمه‌المستدرک، نیست بلکه توثیقات عامه دیگری نیز همچون روایت جعفر بن بشیر بجلی از غیاث بن ابراهیم (همان، ج ۵، ص ۳۶۱)، می‌تواند از جمله دلایل دیگر وثاقت غیاث بن ابراهیم در نظر گرفته شود؛ زیرا نجاشی در ترجمه محمد بن بشیر نیز نگاشته است: «روی عن الثقات و رووا عنه» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۹).

همان‌گونه که پیداست، عبارت فوق در مقام مدح و ستایش جعفر بن بشیر نگاشته شده است. تنها در صورتی می‌توان دلالت این جمله را بر مدح پذیرفت که جعفر بن بشیر فقط از راویان ثقه نقل حدیث کند وگرنه نقل حدیث اعم از ثقه و غیرثقه نمی‌تواند مدحی را به همراه داشته باشد (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۶/ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۶۷/ وحید بهبهانی، بی‌تا، ص ۲۷). با حفظ این مطلب، یکی از راویانی که جعفر بن بشیر از وی نقل روایت می‌کند، غیاث بن ابراهیم است. بر این اساس روایت جعفر بن بشیر از غیاث از ادله دیگر توثیق غیاث به شمار می‌آید.

گرچه صحت بعضی از این دلایل همچون دلالت روایت علی بن حسن بن فضال از غیاث بن ابراهیم به‌عنوان قرینه بر وثاقت غیاث بن ابراهیم، خود محل سخن است که آوردن هر یک از آن‌ها به همراه نقد و بررسی بسی طولانی و نیازمند به تحقیق مفصلی است، منتها بعضی از این توثیقات عامه همچون روایت ابن ابی عمیر از غیاث بن ابراهیم به‌عنوان قرینه بر توثیق غیاث، بدون اشکال است. بر این اساس در وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی هیچ شک و شبهه‌ای نیست، لکن جهت برطرف نمودن هرگونه شبهه در این مقام، توجه به سخنان ذیل لازم است:

بعضی از فقها از جمله شهید ثانی (بی تا، ص ۱۵۴) معتقدند که غیاث بن ابراهیم احادیث کاذبی همچون حدیثی در مورد پرندۀ در نزد مهدی عباسی جعل نموده است. با جستجو در رجال کشی که مطرح کننده روایات وارده در شرح حال راویان است، روشن می شود که چنین حدیثی در رجال کشی وجود ندارد. به طوری که حتی حائری در این مورد می نویسد: «دو نسخه از رجال کشی در دست من است و حال آنکه در هیچ یک از آن دو، این حدیث در مورد غیاث بن ابراهیم تمیمی وارد نشده است» (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۷۸).

با مراجعه به شرح درایه شهید ثانی دانسته می شود که منشأ سخنان شهید ثانی، احادیث وارده در منابع اهل سنت است. با جستجو در این منابع روشن می شود که شخصی با عنوان غیاث بن ابراهیم نخعی وارد شده است که کذاب و جاعل در حدیث است (بخاری، بی تا، ج ۷، ص ۹) به طوری که در تاریخ بغداد نگاشته شده است که آوازه جعل حدیث وی به حدی بوده که حتی اگر کلاغی از بالای سر وی پرواز می کرد به سرعت می توانست برای او جعل حدیث نماید! (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۲۲) از جمله اینکه در شرح حال وی آمده است که بر مهدی بن منصور عباسی (خلیفه سوم عباسی) وارد شده و خلیفه عباسی که به کبوتربازی علاقه داشت، از وی خواست که حدیثی از پیامبر (ص) در این مورد نقل کند. او نیز در این مورد با اضافه نمودن «أَوْ جَنَاحٍ (بازی با پرندگان)» به حدیث مشهور «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ: شرط بندی در غیر این سه مورد جایز نیست: اسب سواری، شتر سواری، تیراندازی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، صص ۴۹-۵۰ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ ج ۱۹، ص ۲۵۳) حدیثی را جعل نمود و توانست از خلیفه ده هزار درهم جایزه دریافت کند. آنگاه پس از خروج غیاث از قصر، خلیفه گفت: او کذاب بر رسول خداست و رسول خدا هرگز در این حدیث، لفظ «أَوْ جَنَاحٍ» را نیاورد. سپس دستور داد که کبوتران را ذبح کنند (زمخشری، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۵ / ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷ / جبوری، بی تا، ص ۳۹). البته در اینکه این روایت را غیاث بن ابراهیم جعل نموده یا وهب بن وهب ابوالبختری، اختلاف است؛ زیرا ذهبی (بی تا، ج ۳، ص ۳۳۸)، قرطبی (بی تا، ج ۱، ص ۷۹) و دمیری (بی تا، ج ۱، ص ۲۶) عین همین روایت - البته خلیفه مذکور در این نقل، رشید عباسی است نه مهدی بن منصور عباسی - را با اسناد به وهب بن وهب ابوالبختری از ابوهریره آورده است و مجلسی دوم نیز در ملاذ الاخیار این روایت را مستند به حفص بن غیاث دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶ [الف]، ج ۱۰، ص ۱۷۴). لذا استناد به این روایت بر کذابیت غیاث بن ابراهیم

نخعی بنا بر اعتقاد بعضی از فقها همچون محدث نوری، خود محل سخن است (نوری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۹).

بنابراین می توان گفت: غیاث بن ابراهیم نخعی از جمله راویان عامه شمرده می شود و بر کذاب بودن وی تأکید شده است (ر.ک: ابن حبان، ۱۳۹۵-۱۳۹۶، ص ۸۰)؛ ولی باید دانست که غیاث بن ابراهیم نخعی که برقی وی را در شمار اصحاب امام صادق (ع) قرار داده است (برقی، ۱۳۸۳، ص ۴۲)، غیر از غیاث بن ابراهیم تمیمی است که نجاشی پس از قرار دادن وی در شمار اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع)، او را ثقه دانسته است؛ زیرا همان گونه که پیداست نجاشی غیاث بن ابراهیم تمیمی را ثقه دانست نه کذاب در جعل حدیث، لذا قطعاً غیاث بن ابراهیم مذکور در کلام نجاشی غیر غیاث بن ابراهیم نخعی کذاب در منابع اهل سنت است (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۲).

گذشته از اینکه مطابق با سخنان شبیری زنجانی (۱۴۱۹، ج ۱، صص ۸۱-۸۲)، غیاث بن ابراهیم نخعی از قبیله نخع که از قبائل قحطانی است، می باشد در حالی که غیاث بن ابراهیم تمیمی، از قبیله تمیم که از قبائل عدنان است شمرده می شود. همچنین کنیه نخعی، ابو عبدالرحمن است که در کتب عامه آمده و حال آنکه کنیه تمیمی بنا بر سخنان شیخ طوسی (۱۴۲۷، ص ۲۶۸) ابا محمد است؛ گذشته از اینکه نخعی کوفی است (برقی، ۱۳۸۳، ص ۴۲) در حالی که تمیمی بصری است که نزول به کوفه پیدا کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۵)؛ بنابراین غیاث بن ابراهیم تمیمی مذکور در کلام نجاشی غیر از غیاث بن ابراهیم نخعی مذکور در کلام اهل سنت است و صرف اشتراک در عنوان نمی تواند دلیل بر اتحاد باشد (نوری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۸).

۳- امامی یا بتری بودن غیاث بن ابراهیم تمیمی

آن گونه که گذشت اگرچه شکی در وثاقت غیاث بن ابراهیم تمیمی نیست، منتها در صورتی که اگر این راوی امامی نباشد بلکه بتری و دارای مذهب انحرافی باشد، با اثبات وثاقتش تنها می توان روایاتش را از جهت وی موثق دانست. در عمل کردن به روایات موثق، میان فقها اختلاف نظر است. بسیاری از فقها خصوصاً فقهای پس از علامه حلی از جمله پسرش فخرالمحققین (۱۳۸۷، ج ۳، صص ۲۹۱، ۵۰۰؛ ج ۴، ص ۴۳۵)، شهید اول (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷)، ابن فهد حلی (۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۳۷)، محقق کرکی (۱۴۱۴، ج ۲، صص ۷۹، ۱۲۷؛ ج ۱۲، صص ۳۱۱، ۳۷۰)، پس از او

شهید ثانی (۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۵۶)، موسوی عاملی (۱۴۱۱، ج ۱، صص ۴۹، ۸۲، ۱۶۲؛ ج ۳، صص ۱۶، ۴۳، ۱۷۷؛ ج ۴، صص ۱۵۹، ۴۸۴؛ ج ۷، صص ۱۰۷، ۲۲۱، ۲۲۲) و صاحب معالم (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۸، ص ۲۰۰) به روایات موثق عمل نمی‌کردند و دوازده‌امامی نبودن را از دلایل ضعف راوی می‌دانستند. لذا روایات موثق از نظر این دسته از فقها ضعیف شمرده می‌شوند. درحالی‌که اگر علاوه بر اثبات وثاقت غیاث بن ابراهیم، امامی بودن وی نیز احراز شود، روایات وی در زمره روایات صحیح در نظر گرفته می‌شود که در اصل عمل به آن اختلافی نیست. در نتیجه با توجه به ثمره فوق، چاره‌ای نیست که مذهب این راوی مورد بررسی قرار گیرد. برای اثبات امامی بودن غیاث بن ابراهیم ابتدا باید غیربتری بودن او ثابت شود و آنگاه پس از اثبات غیربتری بودن، امامی بودن وی احراز شود.

۳-۱- اثبات غیربتری بودن غیاث بن ابراهیم تمیمی

برخی از بزرگان همچون محقق حلی (۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۲۲)، فاضل آبی (۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۰)، علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۲۴۶/همو، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۴/همو، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۹)، ابن داود حلی (تقی الدین حلی، ۱۳۸۳، ص ۴۹۱)، ابن فهد حلی (۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۰۵)، شهید ثانی (۱۴۱۳، ج ۹، ص ۴۷۱)، شیخ حر عاملی (۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۴۴۶)، مقدس اردبیلی (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۵۸؛ ج ۲، صص ۱۲۳، ۴۴۸؛ ج ۳، ص ۳۰۸؛ ج ۸، ص ۴۸۵)، مجلسی اول (۱۴۰۶ [ب]، ج ۱۴، ص ۴۰۹)، خوانساری (۱۳۱۱، ص ۴۷۶)، مازندرانی (۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۰۳) و بحرانی (۱۴۰۵، ج ۴، ص ۸۵؛ ج ۱۰، ص ۲؛ ج ۱۱، ص ۱۴۱) غیاث بن ابراهیم را که در رجال نجاشی توثیق شده است با راوی بتری مذهب مذکور در کلام شیخ طوسی، یکی دانسته‌اند. لذا غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی از منظر این دسته از فقها بتری مذهب است.

صاحب قاموس الرجال معتقد است که غیاث بن ابراهیم مذکور در زمره اصحاب امام صادق (ع) گرچه غیاث بن ابراهیم کذاب در منابع رجالی اهل سنت نیست، چراکه این غیاث در کلام نجاشی تفه دانسته شده است، ولی احتمال دارد این غیاث به خاطر اطلاقش، همان غیاث بن ابراهیم مذکور در اصحاب امام باقر (ع) باشد که بتری مذهب است (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۲).

این در حالی است که برخی دیگر از رجالیان نظیر ابوجعفر عاملی (۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۰)، علوی عاملی (بی‌تا، ج ۱، ص ۶۱۲)، وحید بهبهانی (۱۴۱۷، ص ۷۱۷)، علامه خواجه‌نوی (۱۴۲۷، صص ۴۴، ۲۰۲/همو، ۱۴۱۳، ص ۲۳۲) و محدث نوری (۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۶) غیاث بن ابراهیم

که در سخنان نجاشی توثیق شده است را غیر غیاث بن ابراهیمی دانسته‌اند که در کلام شیخ طوسی متصف به بتری مذهب شده است و در شمار اصحاب امام باقر (ع) به شمار رفته است. فقهای همچون شهید ثانی (۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۰۸۲) و موسوی عاملی (۱۴۱۱، ج ۶، ص ۱۰۷) معتقدند که منشأ سخنان علامه و طرفداران وی، سخنان کشی است که از حمدویه مبنی بر بتری مذهب بودن غیاث بن ابراهیم نقل می‌کند.

صاحب مدارک الاحکام در مقام نقد سخنان گروه اول می‌نویسد:

«... لیس فی هذا السند من يتوقف فی شأنه سوی غیاث بن ابراهیم، فإن النجاشی وثقه، لکن قال العلامة: إنه بتری و لا یبعد أن یکون الأصل فیہ کلام الکشی نقلاً عن حمدویه، عن بعض أشیاخه و ذلك البعض مجهول فلا تعویل علی قوله» (همان‌جا).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مطابق با ادعای موسوی عاملی، منشأ سخن علامه، سخنان کشی است که از حمدویه نقل می‌کند. منتها روایانی که حمدویه از آن‌ها مبنی بر بتری بودن مذهب غیاث نقل سخن می‌کند، مجهول می‌باشند؛ زیرا حمدویه اسم روایان و مشایخی که از آن‌ها نقل سخن می‌کند را ذکر نکرده، لذا این نقل از جهت ارسال، معتبر نیست.

حائری در نقد این سخن نگاشته است که اگرچه جارح در اینجا مجهول است، منتها شکی در بودن جارح - که از اساتید و مشایخ حمدویه است - در زمره علما و فقهای دوازده‌امامی نیست، لذا نمی‌توان به صرف معین نبودن جارح، این روایت را در نهایت سستی دانست (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۷۸).

ولی با مراجعه به رجال کشی دانسته می‌شود که این عبارت در رجال وی در مورد غیاث بیان نشده است. چنانچه تعدادی از محققان نیز به این امر اشاره نموده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۱/نوری، ج ۵، ص ۷۷) ظاهراً موسوی عاملی و شهید ثانی در این نقل دچار سهو قلم شده‌اند.

گذشته از اینکه حتی اگر این روایت در رجال کشی وجود داشته باشد، ارسال آن را نمی‌توان با سخنان ابوعلی «شکی در بودن جارح - که از اساتید و مشایخ حمدویه است - در زمره علما و فقهای دوازده‌امامی نیست» توجیه نمود؛ زیرا کشی در بسیاری از مواضع رجالش در جرح و تعدیل راوی بر سخنان غیرامامی تکیه کرده است (نوری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۸).

آیت الله خویی از فقهای معاصر در تعدادی از کتب فقهی خود (خویی، ۱۴۱۸ [الف]، ج ۱، ص ۵۰۴/همو، ۱۴۱۸ [ب]، ج ۲، ص ۳۸۲) از جمله کسانی است که سخنان علامه و رجالیان گروه

اول را نمی‌پذیرد و در این زمینه معتقد است که غیاث بن ابراهیمی که در رجال نجاشی مورد توثیق قرار گرفته و سخنی از بتری‌مذهب بودن وی آورده نشده و در شمار راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) قرار گرفته، نمی‌تواند همان غیاث بن ابراهیم مذکور در کلام شیخ طوسی باشد که پس از بتری‌مذهب خوانده شدن، در شمار اصحاب امام باقر (ع) جای گرفته است.

آیت الله خوئی برای اثبات این مطلب دلایل متعددی را اقامه می‌کند که عبارت‌اند از:

دلیل اول: غیاث بن ابراهیمی که در سخنان نجاشی جزء راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده شده است، راوی کتابش «اسماعیل بن ابان بن اسحاق الوراق» است، درحالی‌که راوی کتاب «اسماعیل بن ابان»، «احمد بن ابی‌عبدالله البرقی» است. لذا غیاث بن ابراهیم نمی‌تواند از اصحاب امام باقر (ع) شمرده شود، چون ممکن نیست برقی (د. ۲۸۰ق) از اصحاب امام باقر (ع) با یک واسطه (اسماعیل بن ابان) روایت نقل کند.

دلیل دوم: راوی دیگر کتاب غیاثی که جزء راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده شده است، محمد بن یحیی خزاز است که کتاب او را نیز برقی نقل می‌کند؛ و چون ممکن نیست برقی از اصحاب حضرت باقر (ع) با یک واسطه (محمد بن یحیی) روایت کند، لذا غیاث بن ابراهیمی که در سخنان نجاشی جزء راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده شده است، غیراز آن غیاثی است که از اصحاب حضرت باقر (ع) است.

دلیل سوم: در مشیخه من لا یحضره الفقیه آمده که احمد بن محمد بن عیسی با یک واسطه که اسماعیل بن بزیع یا محمد بن یحیی خزاز است، از غیاث بن ابراهیم روایت می‌کند، درحالی‌که احمد بن محمد بن عیسی نمی‌تواند از اصحاب حضرت باقر (ع) با یک واسطه نقل کند.

دلیل چهارم: حمید (د. ۳۱۰ق) که در طبقه شاگردان برقی است، او نیز کتاب غیاث را با یک واسطه که حسن بن علی اللؤلؤی نام دارد، نقل می‌کند درحالی‌که وی نمی‌تواند از اصحاب حضرت باقر (ع) با یک واسطه نقل کند.

دلیل پنجم: ابراهیم بن هاشم بدون واسطه از غیاث بن ابراهیم روایت دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۸۸)، درحالی‌که ابراهیم بن هاشم نمی‌تواند بی‌واسطه از اصحاب امام باقر (ع) روایت کند. بنابراین غیاث بن ابراهیمی که در رجال نجاشی در شمار راویان امام صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) معرفی شده، غیراز آن غیاث بن ابراهیمی است که شیخ طوسی آن را در کتاب رجالی خود در زمره اصحاب امام باقر (ع) قرار داده است (خوئی، بی‌تا، ج ۱۳، صص ۲۳۲-۲۳۳).

بر هر یک از این دلایل، اشکالاتی وارد است؛ اشکالی که بر کبرای دلیل اول و دلیل دوم وارد است اینکه برقی مکرراً از راویانی چون محمد بن سنان نقل روایت می‌کند و روایت محمد بن سنان نیز از ابی الجارود که از اصحاب امام باقر (ع) است، فراوان است. لذا برقی مکرراً از اصحاب حضرت امام باقر (ع) با یک واسطه نقل کرده است. نیز اشکالی بر دلیل سوم وارد است اینکه احمد بن محمد بن عیسی از ابی الجارود (که از اصحاب امام باقر (ع) است) با یک واسطه که محمد بن سنان است، روایت می‌کند. گذشته از اینکه احمد بن محمد بن عیسی اگرچه وفات وی پس از مرگ احمد بن ابی‌عبدالله البرقی است، منتها میلاد وی قبل برقی است.

همچنین اشکالی که بر دلیل چهارم وارد است اینکه اولاً: روایات حمید مشتمل بر مراسیل کثیره است و با نقل حمید نمی‌توان طبقات را تعیین کرد. ثانیاً: بین وفات حمید و رحلت امام باقر (ع)، ۱۹۹ سال فاصله است و اگر حمید بخواهد با دو واسطه از امام باقر (ع) نقل کند می‌بایست به‌طور متوسط فاصله وفات راوی با وفات مروی عنه حدود ۶۵ سال باشد و نقل کردن چنین فاصله‌ای هرچند به‌طور وفور نیست، لکن ممکن است و اسناد عالیه همین سندهاست (برای تبیین این مناقشات، رک: شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۸۷-۹۱).

اما در رابطه با استدلال پنجم خوبی، به نظر می‌رسد که این استدلال مورد خدشه نباشد، چراکه ابراهیم بن هاشم نمی‌تواند با یک واسطه از امام باقر (ع) روایت کند، لذا نقل ابراهیم از غیاث می‌تواند به‌عنوان قرینه بر شمرده نشدن مروی عنه (غیاث) از اصحاب امام باقر (ع) باشد. گذشته از استدلال پنجم خوبی، استدلال دیگری می‌توان در این زمینه ارائه نمود و آن اینکه غیاث بن ابراهیم از راویان کثیر الروایه است، به‌طوری‌که ۳۵ مورد در کتب شیخ صدوق و حدود ۶۰ مورد در سایر مصادر روایی همچون بحارالانوار روایت دارد و علاوه بر روایت از امام صادق (ع)، از جماعتی از مشایخ نیز روایت می‌کند، ولی در هیچ‌کدام از کتب حدیثی موجود شیعه، حتی یک مورد یافت نشده است که غیاث از کسی روایت کند که زمان حضرت باقر (ع) را درک کرده باشد، درحالی‌که بسیار بعید است که این محدث کثیر الروایه در دوران امام باقر (ع) صلاحیت اخذ حدیث داشته است، ولی از امام باقر (ع) و هیچ‌کدام از اصحابشان روایتی شنیده باشد (همان، ص ۹۵). لذا غیاث مذکور در کلام نجاشی، غیر از غیاثی است که در کلام شیخ طوسی به‌عنوان راوی بتری مذهب در شمار اصحاب امام باقر (ع) جای گرفته است.

گذشته از اینکه همان‌گونه که پیش از این گفته شد، شیخ از غیاث بن ابراهیمی که در شمار اصحاب امام صادق (ع) قرار دارد، به غیاث بن ابراهیم تمیمی یاد می‌کند، درحالی‌که از غیاث بن ابراهیمی که در زمره اصحاب باقر (ع) است، تعبیر به غیاث بن ابراهیم بتری می‌کند که ظاهر

این سخن، تعدد غیاث بن ابراهیم از منظر شیخ است. ظاهر کلام نیز در صورت صدور آن از متکلم حکیم و نبودن قرینه‌ای برخلاف آن، مطلقاً حجت است به طوری که مشروط به مفید ظن شخصی به مراد و یا ظن شخصی به عدم خلاف مراد نیست؛ چراکه عقلاً هنگامی که متکلمی سخن بگوید به ظاهر کلام او اخذ کرده و به آن احتجاج می‌کنند، در نتیجه با توجه به حجیت ظواهر، از آنجایی که ظاهر کلام شیخ، مقتضی تعدد است، در نهایت می‌توان گفت: از منظر شیخ نیز غیاث بن ابراهیم ذکر شده در اصحاب امام صادق (ع) غیر از غیاث بن ابراهیم ذکر شده در اصحاب امام باقر (ع) است.

۳-۲- اثبات امامی بودن غیاث بن ابراهیم تمیمی

حال با اثبات تعدد غیاث توثیق شده در کلام نجاشی و غیاثی که در کلام شیخ طوسی در شمار اصحاب امام باقر (ع) شمرده شده است، آنچه در اینجا مهم است مذهب این راوی است؛ زیرا نجاشی فقط غیاث را توثیق کرد و امامی بودن وی را متذکر نشد. تحقیق کلام در مذهب این راوی بسی طولانی است، ولی به صورت خیلی خلاصه از جمله شواهدی که می‌توان بر امامی بودن وی آورد عبارت‌اند از:

شاهد اول: از تأمل در روایاتی (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۱۲۵؛ ج ۲۴، ص ۳۲۲؛ ج ۳۶، صص ۲۴۲، ۳۸۳؛ ج ۴۵، ص ۲۳۰؛ ج ۵۱، صص ۷۳، ۲۵۳) که غیاث نقل می‌کند، امامی بودن او استفاده می‌شود (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۷۷).

از جمله این روایات که به نوعی مهم‌ترین روایت کاشف از امامی بودن غیاث بن ابراهیم می‌باشد، روایت معانی الاخبار است:

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ: سَأَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي مِنَ الْعِترَةِ فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ السَّعَةِ مِنْ وَ لَدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَوْضَهُ» (ابن بابويه، ۱۴۰۳، صص ۹۰-۹۱). غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) از پدرش امام سجاد (ع) از پدرش امام حسین (ع) روایت نمود که فرمود: از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدند، درباره معنای فرمایش پیغمبر خدا «انّی مخلف فیکم الثقلین» (من

به جای گذارنده دو چیز بزرگ در بین شما، کتاب خدا و عترتم) «عترت» کیست؟ فرمود: من و حسن و حسین و نه امامی که از فرزندان حسین‌اند و نه می آنان مهدی، که قائمشان است، آنان از کتاب خدا جدا نگردند و کتاب خدا هم از ایشان جدا نشود تا همگی بر پیامبر خدا بر لب حوض (کوثر) وارد گردند.

همان‌گونه که پیداست، این روایت در بیان معنای ثقلین و دو چیز گران‌بهاست که پیامبر آن را در میان مردم باقی گذاشت: یکی کتاب خدا و دیگری ائمه معصومین (ع) که تعداد آنها دوازده‌تا است و به‌عنوان جانشین پیامبر (ص) و امام به شمار می‌آیند. حال اگر غیاث بن ابراهیم، بتری‌مذهب بود، هرگز این روایت را نقل نمی‌کرد، چراکه بتریه طایفه‌ای از زیدیه است و زیدیه نیز پس از امام حسین (ع)، به امامت امام سجاد (ع) و ائمه پس از او معتقد نیستند، بلکه به امامت زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹/نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۵۵/مسعودی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۳۱). لذا نقل این روایت از غیاث می‌تواند دلیل بر امامی بودن او تلقی شود. محدث نوری در این مورد نگاشته است: بتریه شاخه‌ای از زیدیه و از ارکان این فرقه می‌باشند درحالی‌که زیدیه هشت امام از این نه امام (ائمه بعد از امام حسین (ع)) را قبول ندارند. همچنین به این نکته نیز دست نیافتم که آنها نه می (حضرت قائم (ع)) را اعتقاد داشته باشند. لذا روایت صحیح بوده و احتمال نقل آن از بتریه که شاخه‌ای از زیدیه می‌باشند، نیست (نوری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۷).

البته ممکن است گفته شود: احتمال جعلی بودن انتساب نقل این روایت به غیاث بن ابراهیم وجود دارد. در پاسخ باید گفت: در سند این روایت احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از مشایخ شیخ صدوق (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۰) قرار دارد که از راویان امامی ثقه جلیل‌القدر است (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). علی بن ابراهیم نیز امامی ثقه و از اجلاست (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۰/علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰). پدر علی بن ابراهیم نیز که ابراهیم بن هاشم قمی نام دارد، اگرچه امامی است، ولی از سوی رجالیان قدما صراحتاً توثیق نشده است (طوسی، بی‌تا، ص ۱۲/نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷). پس از بررسی می‌توان گفت که وی نیز همچون فرزند بزرگوارش، در زمره راویان امامی ثقه شمرده می‌شود. ازجمله دلایلی که رجالیانی همچون بحر العلوم (۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۶۲-۴۶۴)، محدث نوری (۱۴۱۷، ج ۴، صص ۳۳-۳۶)، مازندرانی حائری (۱۴۱۶، ج ۱، صص ۲۱۳-۲۱۸) و خویی (بی‌تا، ج ۱، صص ۳۱۷-۳۱۸) بر وثاقت ابراهیم بن هاشم آورده‌اند، می‌توان به دو دلیل ذیل اشاره نمود:

۱. بسیاری از علمای پس از علامه حلی (متأخرین) وی را توثیق نموده‌اند و روایاتش در موارد متعددی از جانب فقهای بزرگ شیعه همانند شهید اول، شهید ثانی، علامه حلی و... به «صحت» توصیف شده است. از باب نمونه با مراجعه به مشیخه من لایحضره الفقیه دانسته می‌شود که در طریق شیخ صدوق به عامر بن نعیم قمی (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۴۵) و یا کردویه همدانی (همان، ص ۴۲۴) و یا یاسر خادم (همان، ص ۴۵۳) یکی از راویان قرار گرفته در این میان، ابراهیم ابن هاشم قمی است؛ با این حال علامه در کتاب رجالی خود این طریق را صحیح دانسته است (علامه حلی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۷-۲۷۸).

۲. اصحاب و عالمان بزرگ شیعه، چونان نجاشی (۱۴۰۷، ص ۱۶) و شیخ طوسی (بی تا، ص ۱۲) در شرح حال این راوی نگاشته‌اند: «إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ نَشَرَ أَحَادِيثَ الْكُوفِيِّينَ بِقَمٍ» این خود دلیل مستقل و به‌عنوان مهم‌ترین دلیل بر وثاقت ابراهیم است؛ زیرا قمیین در پذیرش روایات، شیوه سخت‌گیرانه‌ای متحمل بوده‌اند و نمی‌توانستند نسبت به روایات ابراهیم و انتشار آن‌ها بی تفاوت باشند. از این جهت عدم طرد او از جانب مشایخ قم، دلیل بر نهایت وثاقت او است.

لذا با توجه به این مطلب نباید شکی در وثاقت ابراهیم بن هاشم قمی نمود. به‌جاست تبیین این مطلب را با کلام علامه حلی به پایان برسانیم که در این مورد می‌فرماید: هیچ‌یک از اصحاب در مورد شخصیت وی قدح و اشکالی وارد نکردند، حداقلش این است که من به آن دست نیافتم. همچنین هیچ‌یک از اصحاب ما باصراحت، عدالت وی را متذکر نشده‌اند. روایات وی زیاد بوده و قول ارجح، قبول روایات وی است (همان، ص ۵).

محمد بن ابی عمیر نیز از راویان امامی ثقة جلیل‌القدر است (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۶۵/ همو، بی تا، ص ۴۰۵/ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۷)، به طوری که بنا بر ادعای شیخ طوسی جز از ثقة از کسی دیگر روایت نمی‌کند (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴). لذا با توجه به اینکه در سند این روایت تا قبل از غیاث بن ابراهیم، راویان امامی ثقة جلیل‌القدر قرار گرفته‌اند، وثوق به صدور نقل این روایت از غیاث حاصل شده و احتمال جعلی بودن انتساب نقل این روایت به غیاث بن ابراهیم منتفی است.

شاهد دوم: نجاشی در مورد غیاث می‌گوید: «ثقة». کاربرد ثقة به‌طور مطلق در کلام نجاشی و شیخ و مانند آن‌ها دلیل بر امامی بودن است.

اعتقاد علامه فانی اصفهانی بر آن است که لفظ ثقة به‌صراحت دلالت بر وثوق می‌کند و در اصطلاح علمای رجال، معنای عدل و امامی بودن را افاده می‌کند و بیان قیودی همراه با لفظ ثقة

همانند «ثقة في الحديث» و «ثقة فيما يرويه» صرفاً از باب توضیح و تفسیر بیشتر است (علامه فانی اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۷۷).

ثقه به طور مطلق یعنی راوی از نظر جهاتی که در اعتبار روایت دخیل است مورد اعتماد و اطمینان است. یکی از آن جهات، مذهب راوی است. لذا «ثقة» یعنی «قولاً و مذهباً» مورد اعتماد است. در نتیجه توثیق نجاشی به نحو مطلق علاوه بر به همراه داشتن وثاقت غیاث، امامی بودن وی را نیز می تواند به دنبال داشته باشد. البته چون دلالت ثقه بر مذهب راوی، دلالت اطلاقی است نه وضعی، منافاتی ندارد که مطلق نیاورند و بگویند «واقفی ثقة، فطحی ثقة و مانند این‌ها» (ر.ک: مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۴۷ / شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۸).

شاهد سوم: بعضی از رجالیان شاهد دوم را قبول ندارند و در این مورد معتقدند که کلام نجاشی حداکثر می تواند دلالت بر وثاقت غیاث کند؛ زیرا نجاشی فقط غیاث را توثیق کرده است، بدون اینکه متعرض امامی بودن وی شود و ثقه به طور مطلق نمی تواند کاشف از امامی بودن غیاث باشد (خواجه‌نوی، ۱۴۲۷، ص ۴۵).

در جواب این مناقشه می توان گفت: حتی اگر شاهد دوم را قبول نداشته باشیم، باز هم عدم ذکر مذهب این راوی توسط نجاشی، می تواند دلیل بر امامی بودن این راوی باشد؛ زیرا بنا بر اعتقاد بسیاری از فقها و رجالیان همچون میرداماد (۱۴۰۵، ص ۶۷) و علامه بحر العلوم (۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۴) و از میان بزرگان معاصر آیت‌الله خوئی (بی تا، ج ۱، ص ۹۶)، در صورتی که در رجال نجاشی هیچ سخنی از مذهب راوی به میان آورده نشود، می تواند کاشف از آن باشد که آن راوی از منظر نجاشی امامی است؛ از جهت اینکه هدف اصلی نجاشی در نگارش کتابش، بیان شرح حال راویان امامی مذهب است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳) و مطرح نمودن راویان غیر امامی، تنها از باب استطراد است، بر این اساس در صورتی که اگر راوی دارای مذهب انحرافی باشد، نجاشی متذکر آن می شد.

با حفظ این مطلب از آنجایی که غیاث کثیر الروایه است و کتابش را جماعتی از امامیه نقل می کنند و قریب العهد به زمان نجاشی نیز هست، از جمله غرایب است که مذهب او برای نجاشی مخفی مانده باشد یا نجاشی مذهب او را بداند، ولی در کتابش به آن تذکری نداده باشد. لذا عدم تعرض وی به مذهب غیاث حتی اگر وی را توثیق هم نمی کرد، باز هم کاشف از آن است که غیاث، امامی است (نوری، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۷۴).

البته ممکن است گفته شود که نجاشی در برخی از مواضع در ترجمه بعضی از روایان همچون عمار ساباطی و عبدالله بن بکیر، با وجود اینکه این دو به طور قطع از روایان فطحی هستند، پس چرا نجاشی متذکر مذهب انحرافی این روایان نشده است؟

در جواب مناقشه فوق باید گفت: تمامی این روایان از آنجایی که مشهور به غیر امامی می‌باشند، لذا ممکن است نجاشی نیز به چنین اشتباهی اعتماد کرده باشد؛ بر این اساس نباید از این قاعده کلی دست برداشت مگر اینکه خلاف آن ثابت شود (تراپی شهرضایی، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

شاهد چهارم: چنانچه در سخنان صاحب قاموس الرجال (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۴) گذشت، کلینی در دو باب «الرجل یدرک مع الامام بعضَ صلاتِه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۸۴) و باب «من یکره الصلاة خلفه» (همان، ج ۳، ص ۳۷۶) تنها به روایت غیاث بن ابراهیم اکتفا کرده و متعرض روایت متعارض دیگری نشده است و بعید است که کلینی در کافی روایات عامه را ذکر کند، در حالی که متذکر روایات شیعه نشود.

همان‌گونه که پیداست، این شواهد از آنجایی که دلیل بر امامی بودن غیاث بن ابراهیم می‌باشند، مقتضی تعدد این غیاث با غیاث بن ابراهیم بتری مذهب مذکور در کلام شیخ طوسی است.

هر یک از این شواهد، خود به تنهایی می‌تواند امامی بودن غیاث را اثبات کند تا چه رسد به مجموع آن‌ها. در نتیجه غیاث بن ابراهیم با توجه به این شواهد، امامی است.

بنابراین غیاث از جهت آنکه موثق و بنا بر قول اصح، امامی نیز هست، روایاتش نیز در زمره روایات صحیح در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳- بررسی مذهب راوی بر اساس طریق شیخ صدوق، شیخ طوسی و نجاشی

برای روشن شدن هرچه بیشتر مذهب این راوی، به بررسی شخصیت رجالی روایان کتاب غیاث می‌پردازیم، چراکه ممکن است گفته شود، اثبات عامی و یا بتری بودن روایان غیاث و مصاحبت غیاث با آن‌ها، قرینه‌ای بر عامی و بتری بودن مروی عنه یعنی غیاث است.

شیخ صدوق در مشیخه، طریق خود به غیاث بن ابراهیم را چنین بیان کرده است:

«و ما کان فیه عن غیاث بن ابراهیم فقد رویته عن ابي - رضی الله عنه - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن إسماعیل بن بزيع؛ و محمد بن یحیی الخزاز، عن غیاث بن ابراهیم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۹۰).

چنانچه ملاحظه می‌شود، راوی کتاب غیاث در طریق شیخ صدوق به وی، محمد بن یحیی خزاز است. وی بنا بر تصریح نجاشی، اهل کوفه و از اصحاب امام موسی کاظم (ع) روایت نقل می‌کند و دارای شخصیتی برجسته و معتبر و مورد توجه مردم بوده و صاحب کتاب «النوادر» است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۹). نجاشی اگرچه وی را موثق دانسته اما اشاره‌ای به مذهب وی نکرده است و چنانچه گذشت، عدم اشاره نجاشی به مذهب راوی، حاکی از امامی بودن اوست؛ لذا محمد بن یحیی خزاز با توجه به این معیار، امامی مذهب است.

اما در رابطه با طریق شیخ طوسی به کتاب وی، محدث نوری در خاتمه المستدرک تصریح کرده است که طریق شیخ طوسی در تهذیب و استبصار به غیاث بن ابراهیم صحیح است (نوری، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۴۸)، ولی با مراجعه به مشیخه شیخ در این دو کتاب روشن می‌شود که وی طریقی را در مشیخه آن دو کتاب ذکر نکرده است ولی در فهرست، طرق متعددی را به کتاب غیاث بن ابراهیم ذکر می‌کند. شیخ در این کتاب در بیان طریق خود به کتاب غیاث بن ابراهیم می‌نویسد:

«غیاث بن ابراهیم له کتاب، أخبرنا به جماعة عن أحمد بن محمد بن الحسن عن أبيه عن الصفار عن محمد بن الحسين عن محمد بن يحيى الخزاز عنه و رواه حميد عن الحسن بن علي اللؤلؤي عنه و له كتاب مقتل أمير المؤمنين عليه السلام، أخبرنا به أحمد بن محمد بن موسى عن ابن عقدة عن الحسين بن حمدان عن علي بن ابراهيم و معلی عن زیدان بن عمر، قال حدثنا غياث بن ابراهيم و ذكر الكتاب» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۳).

با ملاحظه متن فوق، شیخ طوسی سه طریق را برای کتاب غیاث ذکر می‌کند. راوی کتاب در طریق اول، محمد بن یحیی خزاز است. وی همان‌گونه که گذشت، امامی موثق است. راوی کتاب در طریق دوم نیز، حسن بن علی لؤلؤی است که دارای شخصیت رجالی مجهول است. شیخ طوسی اگرچه از وی در کتاب فهرست، یاد می‌کند ولیکن نهایت چیزی که در رابطه وی متذکر می‌شود، بیان طریق خود به کتاب وی است (طوسی، بی تا، ص ۵۱). همچنین نام وی را در طریق خود به کتاب راویانی چون موسی بن سابق ذکر می‌کند (همان، ص ۱۶۳). راوی کتاب مقتل غیاث نیز، زیدان بن عمر است که شخصیت رجالی وی مهمل بوده و در هیچ‌یک از منابع رجالی نامی از وی برده نشده است.

طریق نجاشی نیز به کتاب غیاث چنین است: «أخبرنا أبو العباس أحمد بن علي قال: حدثنا أحمد بن ابراهيم بن أبي رافع قال: حدثنا أحمد بن محمد بن زياد قال: حدثنا جعفر المحمدي قال: حدثنا إسماعيل بن أبان بن إسحاق الوراق عنه بالكتاب.» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۹)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، راوی کتاب غیاث در طریق نجاشی، اسماعیل بن ابان وراق است. وی در منابع رجالی شیعه مجهول است. ولی در منابع رجالی اهل سنت، شخصیت رجالی وی به روشنی بیان شده است؛ چنانچه ذهبی در میزان الاعتدال، پس از شمردن وی در زمره اساتید بخاری، مطلبی ذکر کرده که بر اساس آن، بخاری و ترمذی، در کتب صحیح خویش، به سخنان او اطمینان دارند و به آن استدلال می‌کنند. وی می‌گوید: یحیی و احمد از او حدیث فراگرفته‌اند و بخاری گفته است: او بسیار راست‌گوست. ولی دیگری گفته است که او در سلک و مذهب شیعه بود و اظهار تشیع می‌نمود (ر.ک: ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۲). بر این اساس نهایتاً با اعتماد بر سخنان بزرگان عامه، می‌توان گفت که این راوی در مقطعی از زمان خود عامه بوده و در برهه‌ای دیگر به مذهب تشیع گرویده است، لذا معلوم نیست که کتاب غیاث را در کدام‌یک از این دو مقطع زمانی نقل کرده است.

بر این اساس، برآیندی که با نظر به شخصیت رجالی هر یک از راویان کتاب غیاث در طریق شیخ صدوق و شیخ طوسی حاصل است، اثبات‌نشدن مذهب انحرافی راویان کتاب غیاث است. در طریق نجاشی نیز اگرچه اسماعیل بن ابان برحسب ادعای خود عامه عامی بود، ولی نباید فراموش نمود که این راوی در برهه‌ای از عمر خود به مذهب شیعه گرویده و احتمال نقل وی از کتاب غیاث در این زمان وجود دارد.

۴- جمع‌بندی و تحلیل دلایل

اگر هیچ‌یک از دلایل بر تعدد غیاث بن ابراهیم تمیمی مذکور در سخنان نجاشی با غیاث بن ابراهیم بتری مذهب مذکور در سخنان شیخ طوسی کافی نباشد، با در نظر گرفتن شواهد ذکر شده بر امامی بودن غیاث بن ابراهیم به‌راحتی می‌توان امامی بودن وی و اینکه این غیاث، غیر از غیاث بن ابراهیم بتری مذهب مذکور در کلام شیخ طوسی را نتیجه گرفت و حتی اگر مطابق با سخنان بعضی از اجلای فقها همچون علامه حلی در نپذیرفتن این مطلب پافشاری شود و غیاث بن ابراهیم مذکور در کلام نجاشی را همان غیاث بن ابراهیم بتری مذهب مذکور در رجال شیخ طوسی دانست، به‌طوری‌که از نظر شیخ طوسی نیز غیاث بن ابراهیم تمیمی مذکور در اصحاب

امام صادق (ع) همان غیاث بن ابراهیم بتری مذکور در اصحاب امام باقر (ع) باشد، باز هم باید گفت: نمی‌توان بتری بودن غیاث بن ابراهیم را نتیجه گرفت؛ زیرا در مقام تعارض بین تمامی این شواهد با سخنان شیخ طوسی، حتی اگر از شاهد اول و دوم و چهارم هم چشم‌پوشی کنیم، شاهد سوم یعنی ذکر نکردن مذهب وی توسط نجاشی، که مقتضایش امامی بودن این راوی از منظر نجاشی است، در اثبات امامی بودن غیاث بن ابراهیم اسیدی بس است؛ زیرا در مقام تعارض این شاهد که مقتضای سخنان نجاشی است با سخنان شیخ طوسی مبنی بر بتری مذهب بودن این راوی، می‌توان گفت: سخنان نجاشی در رجالش بنا بر مستندات، بر سخنان شیخ طوسی در رجال و فهرست مقدم است. از جمله این مستندات:

الف) تخصص نجاشی در علم رجال و انساب بسیار کامل است؛ زیرا نجاشی در علم رجال بسیار متبحر بوده به طوری که تمام عمر خود را در این علم صرف نموده است. در حالی که کثیرالتألیف بودن شیخ در علم رجال، حدیث، تفسیر، کلام، فقه و ... و روی آوردن وی به شاخه‌های مختلف علم باعث آن شده است که نتواند در زمینه علمی مانند رجال، همچون نجاشی تخصص بسیار کاملی کسب کند (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۷/ کلباسی، ۱۴۱۹، صص ۱۹۹-۱۹۸/ همو، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۳۱۷-۳۱۶).

ب) مجالست نجاشی با اساتید سرشناس رجال همچون احمد بن علی بن نوح سیرافی، ابوالفرج محمد بن علی کاتب، احمد بن حسین غضائری، باعث شده که وی استادی بسیار متخصص و ممحض در علم رجال و دارای اطلاعات بسیار فراوان در این فن شود، در حالی که شیخ طوسی با این اساتید سرشناس ملاقاتی نداشته است (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۵۰-۹/ کلباسی، ۱۴۱۹، صص ۲۰۳-۲۰۲).

ج) تألیف رجال نجاشی پس از تألیف کتاب رجال و فهرست شیخ طوسی است که این تأخر می‌تواند از مهم‌ترین مزایای رجال نجاشی بر رجال و فهرست شیخ شود؛ زیرا این تأخر باعث شده است که نجاشی علاوه بر نظر به منابع متعدد رجالی، به کتب رجالی شیخ، خصوصاً به فهرست وی که نام آن را در شرح حال شیخ طوسی آورده است، نظر کند (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۶/ کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۶).

د) نجاشی نوعاً اطلاعاتی را که از راویان آورده است، علاوه بر دقت فراوان و موشکافانه بودنش، مسائل بیشتری را از جهت توثیق یا تضعیف، آثار و تألیفات مؤلف و کیفیت نسخه‌های آن عصر و طبقه مؤلف آورده است، در حالی که شیخ طوسی به ذکر حداقل اطلاعات در معرفی راویان و مؤلفان کتاب، بسنده نموده است (کلباسی، ۱۴۱۹، صص ۲۰۱-۲۰۲).

ه) نجاشی از شخصیت‌های کوفی و از خاندان‌های مشهور آن شهر است. بسیاری از روایان حدیث نیز از آن دیار بوده‌اند. بدیهی است که نجاشی از شیخ طوسی که از اهالی طوس بوده و چند سالی نیز در بغداد به سر برده، به حال روایان آشناتر بوده است (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۹ / کلباسی، ۱۴۱۹، ص ۲۰۲ / کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۹).

از اینجاست که بسیاری از فقهای سرشناس شیعه (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۶۷ / مجلسی، ۱۴۰۶ [ب]، ج ۱۴، ص ۳۳۱ / وحید بهبهانی، ۱۴۱۷، ص ۷۱۷ / عاملی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۰) بنا بر ادعای علامه بحر العلوم (۱۳۶۳، ج ۲، صص ۴۵-۵۰) در مسائل متعددی از فقه، در مقام تعارض بین سخنان نجاشی و شیخ، سخنان نجاشی را مقدم دانسته‌اند. لذا در مقام بحث نیز استنباط نجاشی مبنی بر امامی بودن غیاث بن ابراهیم که تبیین آن در شاهد سوم گذشت، بر سخن استنباطی شیخ طوسی مبنی بر بتری بودن غیاث بن ابراهیم رجحان دارد. ترجیح سخنان نجاشی در مسائل رجالی به حدی است که بعضی از فقها از جمله محقق بحرانی (۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۰۹) در این مورد معتقدند که حتی اگر فقهایی همچون ابن ولید و شیخ صدوق بر تضعیف یکی از روایان حکم کند و درعین حال نجاشی آن راوی را توثیق نماید، باز هم سخنان نجاشی از جهت اضبط بودن وی در علم رجال نسبت به ابن ولید و شیخ صدوق، مقدم است گرچه این دو از نظر زمانی مقدم بر نجاشی و نزدیک‌تر به امام معصوم (ع) می‌باشند. نیز آوازه تقدیم سخنان نجاشی بر سخنان رجالیان دیگر به اندازه‌ای است که به‌عنوان قاعده‌ای در حل تعارضات رجالی شمرده شده است، به طوری که بعضی از صاحب‌نظران در این زمینه تصریح می‌کنند: تقدیم قول نجاشی به فراغ بال او برای متخصص شدن در این زمینه بازمی‌گردد و نیز به اینکه در این باب به‌واسطه شرایط مساعد و مصادر فراوان و اطلاعات وسیعی که داشت، به میزانی از کارشناسی و خبرویت دست یافت که اعلم علمای شیعه در این علم محسوب می‌شود... بلکه از عمل علما چنین برمی‌آید که ظاهراً در هنگام تعارض قول او، حتی اگر صراحت نداشته باشد، بر قول دیگر ائمه رجال ولو اینکه نص و صریح باشد، اولویت می‌یابد (فضلی، ۱۴۱۶، صص ۱۶۶-۱۶۷).

بعجاست تبیین این مطلب را با سخنان دو تن از بزرگان علم رجال به پایان برسانیم:

وحید بهبهانی در حاشیه خود بر مجمع الفائده نگاشته است: «سند حدیث تا غیاث، صحیح و غیاث نیز نزد نجاشی ثقه است، اگرچه شیخ گفته که وی بتری المذهب است، ظاهر آن است که شیخ توهم کرده؛ زیرا روایات صادره از او صراحت دارد که وی شیعه دوازده‌امامی است.

امثال این روایات از او بسیار است و نجاشی بدون شبهه اضبط از شیخ است» (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷، ص ۷۱۷).

ابوجعفر محمد بن حسن عاملی پس از تحلیل دقیق این مسأله در مواضع مختلف شرح خود بر استبصار، در جلد پایانی این کتاب در مقام نقد سخنان گروه اول می‌نویسد: «شیخ طوسی در رجال خود، غیاث بن ابراهیم را بتری مذهب دانست و لکن نجاشی تنها وی را ثقه دانست، بدون اینکه متعرض بتری مذهب بودن وی شود و به‌طور مکرر در مواضع مختلف، گذشت که در امثال این مقام، سخنان نجاشی ترجیح دارد (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ج ۴، ص ۸۹). لذا غیاث در عین ثقه بودن، بتری نیست بلکه امامی است. بر این اساس، توجیه جماعتی از فقها و رجالیانی که بین سخنان نجاشی مبنی بر ثقه بودن غیاث بن ابراهیم و سخنان شیخ طوسی مبنی بر بتری بودن غیاث بن ابراهیم، جمع حاصل نمودند و در نهایت غیاث بن ابراهیم را بتری ثقه دانستند، صحیح نیست (همان، ج ۷، ص ۲۱۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه آمد، می‌توان گفت:

اولاً: غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی بنا بر تصریح نجاشی، ثقه و از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) است. منتها نجاشی متذکر مذهب وی نشده است.
ثانیاً: غیاث بن ابراهیم واقع در اسناد شیعه با توجه به اینکه به‌جز چند روایت، تقریباً تمامی روایات را از امام صادق (ع) آن‌هم بدون واسطه نقل کرده است، قطعاً با در نظر گرفتن رجال نجاشی و همچنین رجال طوسی که غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی را به‌طور صریح در شمار راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) قرار دادند، معین در غیاث بن ابراهیم اسیدی است.
ثالثاً: عناوین دیگر غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی، به قرینه راوی و مروی عنه، غیاث بن ابراهیم الدارمی و غیاث بن ابراهیم الرزازی است.

رابعاً: غیاث بن ابراهیم تمیمی غیر از غیاث بن ابراهیم بتری مذهبی است که در رجال شیخ طوسی، از اصحاب امام باقر (ع) شمرده شده است؛ زیرا چطور ممکن است که غیاث بن ابراهیم با توجه به کثیر النقل بودنش از اصحاب امام باقر (ع) شمرده شود، درحالی‌که با مراجعه به اسناد روایی شیعه حتی یک روایت از امام باقر (ع) یا یکی از راویانی که امام باقر (ع) را درک کرده باشد، نقل نکرده باشد و حال‌آنکه اگر این راوی از اصحاب امام باقر (ع) بود، بسیار بعید است

که از امام باقر (ع) و هیچ‌کدام از اصحابشان روایتی نشنیده باشد. لذا غیاث بن ابراهیم تمیمی نمی‌تواند همان غیاث بتری مذهب در شمار اصحاب امام باقر (ع) باشد. خامساً: با در نظر گرفتن دلایلی همچون روایت معانی الاخبار که در معنای ثقلین وارد شده است و همچنین ذکر نشدن مذهب این راوی در رجال نجاشی، می‌توان امامی بودن وی را احراز نمود.

سادساً: حتی اگر از نظر شیخ طوسی، غیاث بن ابراهیم تمیمی مذکور در اصحاب امام صادق (ع) همان غیاث بن ابراهیم بتری مذکور در اصحاب امام باقر (ع) باشد، باز هم نمی‌توان بتری بودن غیاث بن ابراهیم را استنتاج نمود؛ زیرا ذکر نشدن مذهب این راوی در رجال نجاشی، مقتضی امامی بودن این راوی از منظر نجاشی است. در نتیجه بین سخنان نجاشی و شیخ طوسی تعارض رخ می‌دهد. در این تعارض، سخنان نجاشی با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از مستندات همچون: اکملیت نجاشی در علم رجال و انساب نسبت به شیخ طوسی، ملاقات نجاشی با اساتید سرشناس علم رجال و تأخیر تألیف رجال نجاشی بر رجال و فهرست طوسی، مقدم بر سخنان شیخ طوسی در رجال و فهرست است.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ *جامع الاصول من أحاديث الرسول*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *توحید*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۳. —؛ *معانی الاخبار*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۴. —؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن حبان، محمد بن احمد؛ *کتاب المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*؛ حلب: محمود ابراهیم زاید، ۱۳۹۵-۱۳۹۶ ق.
۶. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین؛ *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*؛ قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۱۸ ق.
۷. ابن فهد حلی، احمد بن محمد؛ *المهذب البارع*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸. آبی، حسن بن ابی طالب؛ *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۹. بحر العلوم، محمدمهدی بن مرتضی؛ *الفوائد الرجالیة*؛ تهران: مکتبه الصادق (ع)، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد؛ *المحدثات الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *تاریخ الکبیر*؛ بی جا: بی تا، بی تا.
۱۲. برقی، احمد بن محمد؛ *الرجال*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۱۳. تراپی شهرضایی، اکبر؛ *پژوهشی در علم رجال*؛ قم: المصطفی، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. تقی الدین حلی، حسن بن علی؛ *الرجال*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۱۵. جبوری، ابو الیقظان عطیه؛ *مباحث فی تدوین السنة المطهرة*؛ قاهره: بی تا، بی تا.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. —؛ *هدایة الامة إلی أحكام الائمة*؛ مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد؛ *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. خواجهنوی، محمد اسماعیل بن حسین؛ *التعلیقة علی الرسالة الصومیة*؛ قم: مؤسسه عاشورا، ۱۴۲۷ ق.
۲۱. خوانساری، محمد بن حسین؛ *تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۱۱ ق.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم؛ *التتبیح فی شرح العروة الوثقی*؛ قم: لطفی، ۱۴۱۸ ق.

٢٣. —: فقه الشيعة - كتاب الطهارة؛ ج ٣، قم: مؤسسه آفاق، ١٤١٨ ق.
٢٤. —: مباني تكملة المنهاج؛ قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي (ره)، ١٤٢٢ ق.
٢٥. —: معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال؛ بي جا: بي نا، بي تا.
٢٦. دميرى، محمد بن موسى؛ حياة الحيوان؛ بيروت: دار الكتب العلمية الكبرى، بي تا.
٢٧. ذهبى، محمد بن احمد؛ ميزان الاعتدال في نقد الرجال؛ بي جا: بي نا، بي تا.
٢٨. زحشرى، محمود بن عمر؛ ربيع الابرار ونصوص الاخيار؛ بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بي تا.
٢٩. سبحانى، جعفر؛ كليات في علم الرجال؛ قم: مركز مديريت حوزه علميه قم، ١٤١٠ ق.
٣٠. شبيرى زنجانى، سيد موسى؛ كتاب نكاح؛ قم: مؤسسه پژوهشى راي پرداز، ١٤١٩ ق.
٣١. شهيد اول، محمد بن مكى؛ غاية المراد في شرح نكت الارشاد؛ قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ١٤١٤ ق.
٣٢. شهيد ثانى، زين الدين بن على؛ الرعاية في علم الدراية؛ بي جا: بي نا، بي تا.
٣٣. —: رسائل الشهيد الثانى؛ قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ١٤٢١ ق.
٣٤. —: مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ ق.
٣٥. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر؛ جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام؛ ج ٧، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٤ ق.
٣٦. طباطبايى كربلايى، سيد على بن محمدعلى؛ رياض المسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٨ ق.
٣٧. طوسى، محمد بن حسن؛ الاستبصار؛ تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٩٠ ق.
٣٨. —: الرجال؛ ج ٣، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٧ ق.
٣٩. —: العدة في اصول الفقه؛ قم: چاپخانه ستاره، ١٤١٧ ق.
٤٠. —: الغيبة؛ قم: دار المعارف الإسلامية، ١٤١١ ق.
٤١. —: الفهرست؛ نجف اشرف: المكتبة الرضوية؛ بي تا.
٤٢. —: تهذيب الاحكام؛ ج ٤، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق.
٤٣. عاملى، محمد بن حسن بن زين الدين؛ استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٩ ق.
٤٤. علامه حلى، حسن بن يوسف؛ خلاصة الاقوال؛ ج ٢، نجف: منشورات المطبعة الحيدرية، ١٣٨١ ق.
٤٥. —: مختلف الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج ٢، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ ق.
٤٦. —: منتهى المطلب في تحقيق المذهب؛ مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ ق.

٤٧. علامه فانی اصفهانی، سید علی؛ *بحوث فی فقه الرجال*؛ به کوشش: سید علی حسین مکی عاملی، قم: مؤسسه العروة الوثقی، ١٤١٤ ق.
٤٨. علم الهدی، مرتضی بن داعی؛ *تبصرة العوام*؛ تهران: اساطیر، ١٣٨٣ ش.
٤٩. علوی عاملی، میر سید احمد؛ *مناهج الاخیار فی شرح الاستبصار*؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
٥٠. فخر المحققین، محمد بن حسن؛ *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٨٧ ق.
٥١. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *اعتقادات فریق المسلمین و المشرکین*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ١٤٠٧ ق.
٥٢. فرجامی، اعظم؛ «شناسایی یک راوی مشترک: بررسی رجال غیاث بن ابراهیم و حضور او در سند احادیث شیعہ و اهل سنت»؛ فصلنامه علوم حدیث، ش ٢، ١٣٨٥ ش.
٥٣. فضلی، عبدالهادی؛ *اصول علم الرجال*؛ بیروت: مؤسسه ام القری، ١٤١٦ ق.
٥٤. قرطبی، محمد بن احمد؛ *تفسیر القرطبی*؛ بی جا: بی تا، بی تا.
٥٥. کلباسی، ابو الهدی؛ *سما المقال فی علم الرجال*؛ قم: مؤسسه ولی العصر (ع)، ١٤١٩ ق.
٥٦. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم؛ *الرسائل الرجالیة*؛ قم: دار الحدیث، ١٤٢٢ ق.
٥٧. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ ج ٤، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٧ ق.
٥٨. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل؛ *منتهی المقال فی أحوال الرجال*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٦ ق.
٥٩. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح؛ *شرح فروع الکافی*؛ قم: دار الحدیث، ١٤٢٩ ق.
٦٠. مامقانی، عبدالله؛ *مقیاس الهدایة فی علم الدراییة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١١ ق.
٦١. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ١٤١٠ ق.
٦٢. _____؛ *ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار*؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ١٤٠٦ ق. [الف]
٦٣. مجلسی، محمد تقی؛ *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*؛ ج ٢، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ١٤٠٦ ق. [ب]
٦٤. محقق حلّی، جعفر بن حسن؛ *المعتبر فی شرح المختصر*؛ قم: مؤسسه سید الشهداء (ع)، ١٤٠٧ ق.
٦٥. محقق کرکی، علی بن حسین؛ *جامع المقاصد فی شرح القواعد*؛ ج ٢، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٤ ق.
٦٦. مسعودی، علی بن حسین؛ *مروج الذهب و معادن الجوهر*؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، ١٤١١ ق.
٦٧. مفید، محمد بن محمد؛ *أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*؛ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، ١٤١٣ ق.
٦٨. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ *جامع الرواة*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ١٤٠٣ ق.
٦٩. _____؛ *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الاذهان*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ ق.
٧٠. موسوی عاملی، محمد بن علی؛ *مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام*؛ بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١١ ق.

۷۱. ميرداماد، محمدباقر بن محمد؛ *الرواشح السماوية فى شرح الاحاديث الامامية*؛ قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۵ق.
۷۲. نجاشى، احمد بن على؛ *الرجال*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۷ ق.
۷۳. نوبختى، حسن بن موسى؛ *فرق الشيعة*؛ بيروت: دار الاضواء، ۱۴۰۴ ق.
۷۴. نورى، حسين بن محمدتقى؛ *خاتمه المستدرک*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۷ ق.
۷۵. وحيد بهبهانى، محمدباقر بن محمد اكمل؛ *تعليقة على منهاج المقال*؛ بى جا: بى نا، بى تا.
۷۶. —؛ *حاشية مجمع الفائدة و البرهان*؛ قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، ۱۴۱۷ ق.